



بررسی تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه‌ی بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی

سولماز فرزددقی^۱

سینا خردیار^۲

فاضل محمدی نوده^۳

محمود صمدی لرگانی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه‌ی بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. کیفیت اقلام تعهدی، متغیر وابسته و ضعف کنترل داخلی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. ۹ معیار مختلف حاکمیت شرکتی شامل مکانیسم‌های مدیریتی و ساختار مالکیت به عنوان متغیرهای تعدیلگر بکارگرفته شده است. به منظور محاسبه متغیرهای تحقیق از داده‌های ۱۵۹ شرکت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ استفاده شد. پژوهش از نوع کاربردی، توصیفی و همبستگی است. آزمون فرضیه‌ها به کمک مدل‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. و استقلال هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره، سهام شناور آزاد و درصد مالکیت نهادی تأثیر منفی ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی را تضعیف می‌کنند و در مقابل ثبات مدیرعامل شرکت و تمرکز مالکیت موجب تشدید تاثیر ضعف کنترل داخلی در شرکت‌ها می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ضعف کنترل داخلی، کیفیت اقلام تعهدی، حاکمیت شرکتی.

۱- دانشجوی دکتری حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. Solmazfarazdaghi@yahoo.com

۲- استادیار، گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (نویسنده مسئول) Sina.Kheradyar@gmail.com

۳- استادیار، گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. Mnfazel2@gmail.com

۴- استادیار، گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. Mstlargani@gmail.com

۱- مقدمه

غیراختیاری (NDA) گردد (وؤ و همکاران^۳، ۲۰۱۱). افشای ضعف کنترل داخلی اطلاعات سودمند و جدیدی را برای مشارکت کنندگان بازار فراهم می‌کند. اطلاعات افشا شده در رابطه با ضعف کنترل داخلی سیگنال و علائم منفی به سرمایه‌گذاران مخابره می‌کند و باعث مطلع شدن از بی اعتمادی در کیفیت اطلاعات مالی و در صلاحیت و شایستگی مدیریت می‌گردد (همرسل و همکاران^۴، ۲۰۰۸). بر اساس نظریه عاملیت (کارگزاری) و نظریه عدم تقارن اطلاعات، افشای اطلاعات کنترل داخلی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه راهکاری مهم برای سهامداران جهت بررسی ایفای نقش پاسخگویی مدیریت است. شرکت‌های با کنترل داخلی ضعیف تر، ممکن است فاقد یک نظام سنجش کیفیت قوی و کارکنان ساعی و کار آمد باشند؛ بنابراین، هزینه‌ها و منافع آن‌ها را نمی‌توان با اطمینان و قابلیت اتکا بالا اندازه‌گیری نمود. در نتیجه، در چنین شرایطی احتمال تقلب در اطلاعات مالی توسط مدیران و مدیریت سود افزایش خواهد یافت. پس چنین فرض می‌شود که کیفیت کنترل‌های داخلی به صورت معکوس با مدیریت سود در ارتباط است (بینگ^۵، ۲۰۱۶). از طرفی باید توجه داشت که افراد در جامعه به طور ذاتی درصد افزایش منافع شخصی خود بوده و مدیران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و علاقه مندند در راستای حداکثر کردن منافع شخصی، رفاه اجتماعی و تثبیت موقعیت شغلی خود، تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهامداران و سایر افراد ذینفع ارائه نمایند. مشکل اینجاست که در برخی موارد الزام افزایش ثروت مدیران در راستای افزایش منافع سایر ذینفعان از جمله سهامداران نیست. در حقیقت این امر بیانگر عدم همسویی میان منافع مدیران و سایر گروه‌های ذینفع در واحد تجاری است. لذا، با در نظر گرفتن تئوری تضاد منافع میان مدیران و مالکان، مدیران واحدهای تجاری می‌توانند از انگیزه لازم برای مدیریت سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (باس و فیلیپس^۶، ۲۰۱۶). در این میان در تحقیقات متعدد، نقش مکانیسم‌های حاکمیت

رسوایی‌های حسابداری و سقوط شرکت‌هایی نظیر انرون و ورلدکام در اوایل قرن ۲۱ سرانجام منجر به تصویب قانون ساربینز اکسلی در آمریکا گردید. دو بخش عمده این قانون یعنی بخش‌های ۳۰۲ و ۴۰۴ به بحث در مورد کنترل‌های داخلی و مسئولیت مدیران در مورد این کنترل‌ها و گزارشگری مالی می‌پردازد. این بخش‌ها پس از لازم الاجرا شدن منجر به این شدند که مدیران شرکت‌های تحت پوشش این قانون باید در گزارش‌های سالانه، کنترل‌های داخلی و ضعف‌های عمده آن را افشاء نمایند. همچنین آن‌ها باید اثربخشی و کفایت کنترل‌های داخلی را نیز تأیید نمایند. البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که اگرچه شرکت‌های دارای یا بدون افشای ضعف کنترل داخلی^۱ (ICWs) ممکن است انگیزه‌های گوناگونی برای تهیه و ارائه گزارش کنترل داخلی^۲ (ICRs) داشته باشند، آن‌ها همگی می‌توانند از افشاء داوطلبانه‌ی ICRs برای کاهش عدم تقارن اطلاعات استفاده کنند. ممکن است شرکت‌های بدون ICWs انگیزه‌های قوی برای ارائه‌ی ICRs داشته باشند تا بتوانند کیفیت سود برتر را آشکار کنند و خودشان را از شرکت‌های دارای ICWs متمایز نمایند. از طرف دیگر، چه عواملی به شرکت‌های دارای ICWs انگیزه می‌دهد تا ICRs را فراهم کنند، با توجه به اینکه افشاء ICWs می‌تواند سیگنال‌های منفی به بازار ارسال کند؟ نظریه‌ی نمایندگی بیان می‌کند که اگر یک شرکت ICWs را افشاء نکند، ممکن است سرمایه‌گذاران تصور کنند که مدیران سعی دارند اخبار بد را پنهان نمایند. در نتیجه، این شرکت از طریق هزینه‌ی بالاتر حقوق صاحبان سهام یا پاداش کمتر مدیریت مجازات می‌شود. در مقابل، اگر این شرکت تصمیم بگیرد اطلاعات ICW را ارائه دهد و مقیاس‌هایی را برای اصلاح ICWs معرفی کند، سرمایه‌گذاران افشاء داوطلبانه‌ی ICWs را به صورت نمادی از صداقت و یکپارچگی مدیریت و همچنین نشانه‌ی تمایل مدیریت برای ارتقاء کنترل داخلی می‌بینند. همچنین اصلاح ضعف کنترل داخلی می‌تواند باعث بهبود آگاهی دهندگی اقلام تعهدی

گزارش موارد با اهمیت ساختار کنترل داخلی منطبق بر استاندارد حسابرسی است و علاوه بر موارد ذکر شده عمدتاً با دو هدف زیر تهیه می‌شود:

۱- بهبود روابط با مدیریت، ۲- پیشنهاد خدمات مالیاتی و مدیریتی که موسسات حسابرسی قادر به ارائه آن هستند (زارعی، ۱۳۸۱).

از اینرو نامه مدیریت نمی‌تواند جایگاه قانونی گزارش نقاط ضعف را مطابق آنچه قوانین برخی کشورها تعیین کرده‌اند، بگیرد. علی‌رغم طراحی و اجرای مناسب کنترل‌ها حسابرسان تلاش می‌کنند تا ضعف‌های بااهمیت در طراحی کنترل‌ها و انجام آزمون‌هایی در مورد اجرا یا عدم اجرای کنترل‌ها را کشف نمایند. روش‌های رایج در این زمینه شامل پرس و جو اغلب مبتنی بر پرسش نامه‌ها و دیگر روش‌های چک لیستی، نمودگرهای تجزیه و تحلیل مستند سازی متنی مشاهدات، شناخت سیستم و برخی رسیدگی‌های مستند می‌باشد. حسابرسان سعی دارند ضعف‌های بااهمیت در اثربخشی عملیات کنترل‌ها را از طریق اجرای آزمون کنترل برطرف نمایند. انجام آزمون را وقتی کافی می‌گوییم که ریسک ناتوانی در کشف در سطح پایین باشد. در این زمینه، یک مدل ریسک مناسب برای حسابرسی کنترل داخلی به حسابرسان در زمینه تعیین میزان اثربخشی عملیات کنترل‌ها کمک می‌کند. براساس بند ۴۹ استاندارد شماره ۴۰ حسابرسی ایران، حسابرسان مستقل موظف است در اولین فرصت ممکن، رده مناسبی از مدیریت را از نقاط ضعف با اهمیت موجود در طراحی یا عملکرد سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی که با آن‌ها برخورد کرده است آگاه کند. ضعف‌های نظام کنترل داخلی از جمله مشکلات مبتلا به اکثریت قریب به اتفاق واحدهای اقتصادی کشور اعم از خصوصی و دولتی است هر ساله این واحدها و در نهایت، اقتصاد کشور از ضعف کنترل‌های داخلی متحمل خسارت و زیان‌های قابل توجه و سنگینی می‌شود. در راستای مطالب فوق می‌توان به اهمیت بررسی بیشتر در زمینه عواملی که می‌تواند تاثیرات

شرکتی به عنوان عوامل مؤثر در افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ثابت شده است و تأثیرات بالقوه‌ای که بر تصمیمات شرکت‌ها دارند غیر قابل انکار است. در همین راستا و به منظور تکمیل مبانی نظری مرتبط با کنترل‌های داخلی و راه‌های کاهش ضعف در کنترل داخلی شرکت‌ها در جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سوال اساسی زیر است:

تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی شامل ویژگی‌های هیئت‌مدیره و ساختار مالکیت بر رابطه‌ی بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌ها چگونه است؟

ساختار مقاله در ادامه به این صورت است: ابتدا پیشینه تحقیقات مرتبط و سپس فرضیه‌ها بیان می‌شود. به روش شناسی تحقیق پرداخته خواهد شد. در ادامه یافته‌های پژوهش ارائه شده و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق ارائه می‌گردد.

گزارش ضعف کنترل داخلی در ایران

در کشور ما به تازگی سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای ماده ۳۵ دستورالعمل پذیرش بورس اوراق بهادار تهران اقدام به انتشار پیش نویس دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کرده است برطبق این ماده مدیریت مسئول ارزیابی اثر بخشی کنترل داخلی است و باید در مورد نتایج ارزیابی کنترل داخلی گزارش تهیه کند (دستورالعمل سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱). در بیشتر موارد ضعف‌های کنترل داخلی که توسط حسابرسان گزارش می‌شود، در نامه مدیریت آورده می‌شود و به مدیریت ابلاغ می‌شود اما بین ضعف‌هایی که در نامه مدیریت وجود دارد با ضعف‌هایی که در گزارش حسابرسان و بازرس قانونی افشا می‌شود تفاوتی وجود دارد نوع دوم ضعف‌ها ضعف‌های بااهمیت کنترل داخلی هستند که بدلیل اهمیتشان در متن گزارش حسابرسان افشا می‌شوند. (پوریا نسب و مهام، ۱۳۷۷). نامه مدیریت اختیاری است و شکل استاندارد مشخص ندارد ولی

منفی ضعف کنترل داخلی در شرکت‌ها را کاهش دهد، پی برد.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه خارجی تحقیق

وانگ و همکاران^۷ (۲۰۱۸)، در تحقیقی به بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی، کنترل داخلی و ارزش شرکت پرداختند. نتایج نشان داد پایان ارتباطات سیاسی منجر به کاهش تقریباً ۲ درصدی ارزش سهام برای شرکت‌های خصوصی می‌شود و کنترل‌های داخلی تأثیر منفی واکنش قیمت به از دست دادن ارتباط را کاهش می‌دهد. در بررسی بیشتر نتیجه گرفتند که سیستم کنترل داخلی می‌تواند یک کانال مفید برای حفاظت از ارزش شرکت در شوک‌های سیاسی باشد. جی و همکاران^۸ (۲۰۱۷)، نیز در تحقیقی با بررسی رابطه بین افشای داوطلبانه ضعف‌های کنترل داخلی و کیفیت سود به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود، با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، به طور قابل توجهی با افشای داوطلبانه ICW ارتباط دارد. همچنین هر دو مورد ICW مرتبط و غیرمرتبط با حسابداری، کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. منسا^۹ (۲۰۱۶)، با بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مربوط به کنترل‌های داخلی و راهبری شرکتی نشان داد که اغلب شرکت افشای کافی از اطلاعات مربوط به کنترل‌های داخلی در گزارش‌های مالی خود ندارند. و استقلال اعضا هیئت مدیره موجب می‌شود که علاوه بر اینکه کیفیت افشای اطلاعات بهبود یابد، شفافیت در اطلاعات نیز افزایش یابد. وانگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و مدیریت سود پرداختند. آن‌ها نشان دادند که کنترل‌های داخلی با کیفیت بالا می‌تواند از فعالیت‌های واقعی مدیریت سود جلوگیری نماید. این نتیجه در شرکت‌های غیر دولتی در مقایسه با شرکت‌های دولتی بیشتر قابل مشاهده است. فاستر و شستری^{۱۱} (۲۰۱۳)، با بررسی ضعف‌های با اهمیت در سیستم کنترل‌های داخلی و مدیریت سود بعد از تصویب قانون

سارینز آکسلی نشان دادند که شرکت‌های دارای ضعف‌های با اهمیت در سیستم کنترل‌های داخلی، به میزان بیشتری اقدام به مدیریت سود کرده‌اند. بالسام و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان مشوق‌های حقوق صاحبان سهام و ضعف‌های کنترل داخلی به این نتیجه رسیدند که بیشتر ضعف‌های کنترل داخلی در سطح شرکت با انگیزه‌های فراهم شده توسط صاحبان سهام به شدت محدود شده اما این ضعف‌ها در ارتباط بیشتر با انگیزه‌های مدیران است. نتایج تحقیق جانستون و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۱) نشان از آن دارد که کنترل‌های داخلی با ارتقاء مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های مختلف مدیریت تقویت می‌شود. هویتاش و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۱)، نیز در تحقیقی با بررسی رابطه بین نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و پاداش مدیر ارشد امور مالی نشان دادند که معیارهای غیر مالی مانند نقاط ضعف کنترل داخلی در تعیین پاداش مدیران تأثیرگذار هستند. آن‌ها ثابت کردند افشای نقاط ضعف کنترل داخلی نشان دهنده ضعف در عملکرد مدیریت است و شرکت‌هایی با تجربه قوی مدیریتی بعد از افشای نقاط ضعف شاهد کاهش بیشتر در پاداش هستند. استفنز^{۱۵} (۲۰۰۹) استدلال کرد که کمیته‌های حسابرسی با اعضای شایسته‌تر توانایی بیشتری برای کشف ICWs دارند. این مطالعه نشان داد که کمیته‌های حسابرسی باکیفیت‌تر بی‌کفایتی‌های کنترل داخلی را بیشتر افشاء می‌کنند. در چین، کمیته‌ی حسابرسی یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی است. ژانگ و همکارانش^{۱۶} (۲۰۰۷) نتایج مشابهی را یافت کردند مبنی بر اینکه شرکت‌هایی با کمیته‌های حسابرسی باکیفیت‌تر ICWs کمتری دارند. آشباگ و همکارانش^{۱۷} (۲۰۰۷) دریافتند که در آمریکا، شرکت‌های دارای سهامداران نهادی انگیزه‌های بیشتری برای اصلاح ICWs دارند زیرا تهدید افزایش نظارت و خطر دادرسی بیشتری را از سوی عوامل خارجی احساس می‌کنند. با توجه به نقشی که کمیته‌ی حسابرسی در کنترل داخلی ایفا می‌کند، کریشان^{۱۸} (۲۰۰۵) شواهدی را ارائه داد مبنی بر

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد هرچه شکاف سهامداران کنترلی افزایش یابد، ناکارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. همچنین، در صورت وجود ضعف کنترل‌های داخلی و یا افزایش تعداد آن، ناکارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری ذکر شده، انتظار می‌رود شرکت‌هایی که کیفیت حاکمیت شرکتی آن‌ها بالا است ضعف کنترل داخلی کمتری داشته باشند. مطالعات قبلی که به مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در چین پرداختند نشان دادند که اندازه‌ی بزرگ‌تر هیئت‌مدیره، سطح بالاتر استقلال (INDP)، یک بزرگ‌تر هیئت‌مدیره مستقل‌تر و یک کمیته‌ی حسابرسی داخلی شایسته‌تر عواملی هستند که منجر به اثربخشی حاکمیت شرکتی می‌شوند، درحالی‌که دوگانگی مدیرعامل و ارتباطات سیاسی مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره شاخص‌هایی هستند که اثربخشی حاکمیت شرکتی را تحریف می‌کنند. از آنجایی که یک هیئت‌مدیره مستقل‌تر و بزرگ‌تر می‌تواند نظارت قوی‌تری بر مدیریت و سیستم کنترل داخلی شرکت داشته باشند، انتظار داریم شرکت‌هایی که دارای این مکانیسم حاکمیت شرکتی هستند، ICWs کمتری داشته و در نتیجه کمتر ICWs را افشاء کنند. کمیته‌ی حسابرسی باکیفیت‌تر با تخصص حسابداری مالی بیشتر صلاحیت آن را دارند که بی‌کفایتی‌های کنترل داخلی را شناسایی و در نتیجه به مدیریت انگیزه دهند ICWs را گزارش دهد. همچنین دوگانگی مدیرعامل نیز با افشاء بیشتر ICW در ارتباط باشد زیرا دوگانگی مدیرعامل نظارت بر کنترل داخلی مدیریت را تضعیف می‌کند و از این رو، شرکت‌هایی با دوگانگی مدیرعامل دارای ICWs بیشتری هستند. طبق ماده ۱۲۴ قانون تجارت، مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت‌مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی، این امر نشان می‌دهد که اگر مدیرعامل وظیفه دوم را نیز داشته

اینکه شرکت‌هایی که کمیته‌های بازرسی کارآمدتری دارند با تخصص حسابداری مالی بیشتر در کمیته‌ی حسابرسی اندازه‌گیری می‌شوند و مشکلات کمتری در زمینه‌ی کنترل داخلی دارند. و چان و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۵) تحقیقی با عنوان "مدیریت سود و بازده جمعی از شرکت‌ها که ضعف‌های بااهمیت کنترل داخلی را طبق بند ۴۰۴ از قانون ساربینز - اوکسلی افشا می‌کنند" انجام دادند. نتایج نشان داد مدیریت سود آن‌ها بیشتر و بازده سود آن‌ها در مقایسه با شرکت‌های دیگر کمتر است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شرکت‌هایی که نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی خود را افشا می‌کنند بازده و سود کمتری دارند.

پیشینه داخلی تحقیق

ولی زاده لاریجانی و همکاران (۱۳۹۷)، با مطالعه رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و مدیریت سود، رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. لیکن، بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی و هزینه‌های نمایندگی و نیز بین مدیریت سود و هزینه‌های نمایندگی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. فخاری و کبیری (۱۳۹۷)، به مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی گزارش حسابرسی بر ارتباط افشای ضعف کنترل‌های داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بازده دارایی‌ها، سودآوری، اهرم مالی، ریسک، عمر شرکت، استقلال هیئت‌مدیره و اعضای متخصص در کمیته حسابرسی، مالکیت دولتی و سهامداران عمده و کیفیت حسابرسی بر افشای ضعف کنترل‌های داخلی اثر دارند. همچنین افشای ضعف کنترل داخلی زمانی که با گزارش همراه با اظهار نظر حسابرس باشد اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین افشا ضعف کنترل داخلی و عدم تقارن دارد. ساعدی و دستگیر (۱۳۹۶)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی و شکاف سهامداران کنترلی بر کارایی سرمایه‌گذاری

از طرفی پیشینه‌ی تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که ساختار مالکیت یک عامل تأثیرگذار دیگر بر ضعف کنترل داخلی است. در حال حاضر، شرکت‌های یک ساختار مالکیت منحصربه‌فرد با سه نوع سهام دارند: سهام انفرادی، سهام دولتی، و سهام شخصیت حقوقی. علی‌رغم اجرای اصل ۴۴ که مربوط به خصوصی‌سازی شرکت‌ها می‌شود، بسیاری از شرکت‌ها با توجه به درصد بالایی از سهام دولتی، هنوز به شدت تحت تأثیر دولت قرار دارند. مالکیت دولتی یکی از عوامل اصلی است که منجر به مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود. مطالعات قبلی نشان می‌دهند که شرکت‌های دولتی توجه کمتری به کیفیت گزارش دهی مالی دارند. مالکیت دولتی نظارت بر مدیریت را تضعیف می‌کند و در نتیجه انتظار می‌رود با ICWs بیشتر رابطه داشته باشد. به علاوه، تمرکز مالکیت توسط دولت می‌تواند قدرت سیستم کنترل داخلی را به خطر بیندازد. بنابراین، انتظار داریم مالکیت متمرکز رابطه‌ی مثبتی با ضعف کنترل داخلی داشته باشد. از طرف دیگر، قابلیت دادوستد سهام و درصد سهامداران نهادی رابطه‌ی منفی با ضعف کنترل داخلی دارد زیرا تعداد سهام قابل دادوستد را بالا می‌برد و سهامداران نهادی قدرت نظارت خارجی‌شان بر مدیریت و کنترل داخلی را بالا می‌برند. بر همین اساس فرضیه دوم به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه دوم: ساختار مالکیت شرکت به عنوان یکی از ابعاد تبیین کننده ضعف کنترل داخلی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.

- ۱-۲: تمرکز مالکیت بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۲-۲: مالکیت دولتی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۳-۲: سهامداران نهادی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۴-۲: سهام شناور آزاد بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.

باشد می‌تواند از قدرت زیادی برای تحت تأثیر قرار دادن امورات شرکت از جمله گزارشگری مالی برخوردار شود. در نتیجه پیوندهای بالقوه‌ی مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره می‌تواند بر کنترل داخلی تأثیر گذارد که در واقع انعکاسی از خصوصیات نهادی منحصربه‌فرد شرکت‌ها هستند. رئیس هیئت‌مدیره با وظایف دوگانگی یا مدیرعامل با پیوندهای سیاسی بیشتر می‌تواند اهداف دولتی کلی را برآورده کند بجای اینکه سعی کند ارزش سهامدار را به حداکثر برساند. در نتیجه این شرکت‌ها با مشکلات کنترل داخلی بیشتری مواجه می‌شوند. هیأت مدیره باید سطح تحمل ریسک شرکت را تعیین کند و بر عناصر کلیدی مدیریت ریسک برای حفاظت از سرمایه‌گذاری سهامداران و دارایی‌های شرکت نظارت داشته باشد. کنترل‌های داخلی برای مدیریت ریسک حائز اهمیت هستند و هیأت مدیره باید در تبیین، اجرا و بررسی سیستم کنترل داخلی متعهد باشد. در همین راستا فرضیه اول تحقیق تدوین شده است:

فرضیه اول: ویژگی‌های هیئت مدیره به عنوان یکی از ابعاد تبیین کننده ضعف کنترل داخلی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.

- ۱-۱: اندازه هیئت‌مدیره بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۲-۱: استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۳-۱: تخصص مالی کمیته‌ی حسابرسی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۴-۱: دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.
 ۵-۱: ثبات مدیرعامل بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار است.

۴- روش شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های بازار سرمایه است و از لحاظ روش شناسی از نوع علی پس از وقوع می‌باشد. در این نوع پژوهش‌ها پژوهشگر می‌خواهد بداند که آیا بین دو گروه از اطلاعات رابطه و همبستگی وجود دارد یا خیر، و در صورت وجود ارتباط به دنبال بررسی میزان و چگونگی (مثبت یا منفی) تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. لذا پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی است. و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. و برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه مورد نظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای تعیین شده توسط محقق، تعداد ۱۵۹ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از نرم افزار ره‌آورد نوین، گزارش حسابرس مستقل و گزارش هیئت مدیره استفاده شده است.

۵- نحوه محاسبه متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته: کیفیت ارقام تعهدی (ABSDA)

شاخص مورد نظر برای اندازه‌گیری کیفیت سود، سطح ارقام تعهدی اختیاری است که از طریق الگوی تعدیل شده جونز برآورد می‌شود. در این مدل رگرسیونی، ارقام تعهدی اختیاری، بوسیله باقیمانده رگرسیون کل ارقام تعهدی بر فروش و اموال و ماشین آلات محاسبه می‌شود. مدل تعدیل شده جونز که در سال ۲۰۰۵ توسط کوتاری و همکاران ارائه و بکار گرفته شده است، بصورت ذیل می‌باشد (خانی و ابراهیمی، ۱۳۹۲).

$$\frac{TAC}{Assets_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{Assets_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{PPE_{it}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 ROA + \varepsilon_{it}$$

TAC: ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی با جریان نقد عملیاتی)، ΔREV : تغییر در درآمد فروش

نسبت به دوره قبل، PPE: جمع اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ROA: بازده دارایی‌ها
 ε : باقیمانده الگوی رگرسیونی می باشد و منعکس کننده ارقام تعهدی اختیاری است که میزان اعمال نظر مدیر در سود گزارش شده در هر سال- شرکت نشان می‌دهد. ارقام تعهدی اختیاری بالاتر، منعکس کننده سطح کیفیت سود پایین تر هستند.

متغیر مستقل: ضعف کنترل داخلی (DISWEAK)

در تحقیق حاضر نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی از گزارش حسابرسان مستقل بدست آمده است. با توجه به اینکه در گزارش حسابرسی تنها نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی شرکت به عنوان بند شرط ارائه می‌گردد و از ارائه همه نقاط ضعف که حسابرس قبلا در نامه مدیریت به آن‌ها پرداخته است پرهیز می‌گردد، در این تحقیق همه بندهای شرط مربوط به ضعف‌های کنترل‌های داخلی به عنوان نقاط ضعف با اهمیت کنترل‌های داخلی در نظر گرفته شده است. تعداد ضعف‌های بااهمیت کنترل داخلی در گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره تحقیق استخراج شده است. بنابراین در این تحقیق، منظور از ضعف‌های بااهمیت ضعف‌هایی است که حسابرس در گزارشش به آن اشاره می‌کند و معمولا طی سال مالی بر طرف می‌شود و در برخی موارد بر طرف نمی‌گردد. به عنوان مثال ضعف‌های موجود در حساب‌های دریافتی، موجودی کالا، دارایی‌ها، مالیات یا به عنوان مثال مواردی که مربوط به تصمیمات هیئت مدیره است و این ضعف‌ها در سطح حساب‌های شرکت و در سطح خود شرکت وجود دارند (حاجیها و محمد حسین نژاد، ۱۳۹۴).

متغیرهای تعدیلگر

- ساختار هیئت مدیره

اندازه هیئت مدیره (BOARD-SIZE): در تحقیق حاضر به پیروی از برادران حسن زاده و همکاران (۱۳۹۱) از لگاریتم طبیعی تعداد اعضاء هیئت مدیره شرکت استفاده شده است.

(درصد مالکیت هر نهاد) $CO = \Sigma^2$

درصد مالکان نهادی (INST): طبق موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران مالکان نهادی شامل بانکها، بیمهها، هلدینگها، صندوقهای بازنشستگی و شرکتهای سرمایه‌گذاری، شرکت تأمین سرمایه و صندوقهای سرمایه‌گذاری می‌باشند که به لحاظ نظری در امر سرمایه‌گذاری در سهام، تخصص مطلوبی داشته و در برخی موارد سهام را به قصد اعمال نفوذ بر شرکت سرمایه‌پذیر خریداری می‌کنند. در تحقیق حاضر به پیروی از متقی و همکاران (۱۳۹۶)، نسبت تعداد سهام متعلق سهامداران نهادی به تعداد کل سهام منتشر شده شرکت به عنوان درصد مالکیت نهادی لحاظ شده است.

مالکیت دولتی (SO): در تحقیق حاضر به پیروی از تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، ملکبان و نیکروان فرد (۱۳۹۴) و پاکمرام و همکاران (۱۳۹۳)، نسبت تعداد سهام نهادهای دولتی به تعداد کل سهام منتشره شرکت به عنوان درصد مالکیت دولتی لحاظ شده است.

سهام شناور آزاد (FFS): مالکیت درصدی از کل سهام شرکت که جهت معامله در بازار سهام در دسترس باشد و یا درصد مالکیت قسمتی از سهام یک شرکت که بدون هیچ‌گونه محدودیت قابل معامله باشد. موسسه مورگان استانیلی^{۲۱} سهام شناور آزاد را نسبتی از سهام شرکت تعریف می‌کند که در بازار قابل معامله بوده و با اهداف مدیریتی توسط سهامداران نهادی نگهداری نشود (برادران حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۱). در تحقیق حاضر به پیروی از برادران حسن زاده و همکاران (۱۳۹۱) نسبت تعداد سهام شناور آزاد به تعداد کل سهام منتشر شده شرکت به عنوان درصد سهام شناور آزاد لحاظ شده است.

۶- نتایج آمار توصیفی

برای ارائه یک شمای کلی از ویژگی‌های مهم متغیرهای پژوهش، برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

استقلال هیئت مدیره (INDP): برای محاسبه این متغیر به پیروی از تحقیق بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲) و متقی و همکاران (۱۳۹۶) از تقسیم تعداد اعضاء موظف هیئت مدیره به کل اعضاء استفاده شده است. طبق تعریف پیش نویس آیین‌نامه اصول راهبری بورس اوراق بهادار تهران، مدیر غیر موظف عضو پاره وقت هیئت مدیره است که فاقد مسئولیت اجرایی باشد.

اعضای متخصص مالی (BOARD-FINANCE): برای محاسبه این متغیر به پیروی از نیک بخت و همکاران (۱۳۸۹) از متغیر دو حالتی به این صورت که عدم استفاده از متخصص مالی و حسابداری در هیئت مدیره، صفر و در غیر این صورت، (۱) می‌گیرد.

دوگانگی وظیفه مدیرعامل (DUAL): برای محاسبه این متغیر به پیروی از تحقیق بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲) از متغیر دو حالتی به این صورت که در صورت وجود دوگانگی وظیفه مدیرعامل (عدم تفکیک نقش مدیر عامل از رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره) عدد (۰) و در غیر این صورت عدد (۱) استفاده شده است. این حالت یکی از عواملی است که ممکن است بطور بالقوه بر استقلال هیئت مدیره تأثیرگذار بوده و همچنین، انگیزه‌ها و فرصت‌هایی را برای مدیرعامل در جهت پیگیری منافع خود با استفاده از منابع شرکت ایجاد می‌کند.

ثبات مدیرعامل (Change-BOARD): برای محاسبه این متغیر به پیروی از تحقیق صفرزاده و طاووسی (۱۳۹۶) از متغیر دو حالتی به این صورت که اگر مدیر عامل شرکت نسبت به سال $t-1$ تغییر کرده باشد (۱) و در غیر این صورت (۰) می‌باشد.

• ساختار مالکیت

تمرکز مالکیت (CO): برای محاسبه تمرکز مالکیت به پیروی از تحقیق بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲) از شاخص هر فیندال-هریسمن استفاده شده است. شاخص هر فیندال-هریسمن^{۲۰} شاخصی اقتصادی است که برای سنجش میزان انحصار در بازار استفاده می‌گردد. بدین ترتیب درصد سهام هریک از سهامداران نهادی به توان دو رسیده و باهم جمع می‌شوند

جدول (۱): نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	سال شرکتی
کمی	ABSDA	۰/۰۷۵	۰/۰۵۵	۰/۳۵۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۸	۹۵۴
	INDP	۰/۲۵۸	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۸	۹۵۴
	DISWEAK	۱/۳۰۴	۱	۶	۰/۰۰۰		۹۵۴
	CO	۰/۳۱۱	۰/۳۰۳	۰/۸۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱	۹۵۴
	SO	۰/۵۰۸۳	۰/۶۱۶۹	۰/۹۵۸۴	۰/۰۰۰	۰/۳۴۱۹	۹۵۴
	INST	۰/۶۹۶۲	۰/۷۹۳۴	۰/۹۸۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۵۶	۹۵۴
	FFS	۰/۲۰۶	۰/۱۸۰	۰/۶۵۹	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹	۹۵۴
	BOARD-SIZE	۱/۶۱۵	۱/۶۰۹	۱/۹۴۶	۱/۶۰۹	۰/۰۴۲	۹۵۴
	SIZE	۱۴/۱۹۵	۱۳/۹۰۱	۱۸/۵۹۲	۱۱/۱۲۷	۱/۶۰۲	۹۵۴
	LEV	۰/۵۷۲	۰/۵۸۲	۰/۹۲۶	۰/۱۴۷	۰/۱۸۰	۹۵۴
	GROWTH	۰/۱۹۳	۰/۱۴۴	۱/۶۰۵	-۰/۴۶۴	۰/۳۴۸	۹۵۴
	ROA	۰/۱۷۱	۰/۱۴۶	۰/۵۶۰	-۰/۱۲۱	۰/۱۳۲	۹۵۴
	نوع متغیر	متغیر	فراوانی (درصد)		سال شرکتی		
	کیفی	DUAL	۲۴۶ (۲۵٪)		۹۵۴		
BOARD-FINANCE		۲۷۹ (۲۹٪)		۹۵۴			
BOARD-CHANGE		۲۷۴ (۲۸٪)		۹۵۴			
LOSS		۸۸ (۹٪)		۹۵۴			

نهادی برابر با (۰) بوده و بیشترین آن ۹۸/۵۵ درصد است.

۷- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

۷-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

از الگوی رگرسیونی شماره (۳) بهره گرفته شده و با استفاده از روش رگرسیون پانل دیتا برآورد شده است: مدل (۱)

$$ABSDA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DISWEAK_{it} + \beta_2 DUAL_{it} + \beta_3 DISWEAK * DUAL_{it} + \beta_4 BOARD-SIZE_{it} + \beta_5 DISWEAK * BOARD-SIZE_{it} + \beta_6 INDP_{it} + \beta_7 DISWEAK * INDP_{it} + \beta_8 BOARD-FINANCE_{it} + \beta_9 DISWEAK * BOARD-FINANCE_{it} + \beta_{10} BOARD-Change_{it} + \beta_{11} DISWEAK * BOARD-Change_{it} + \beta_{12} Size_{it} + \beta_{13} Lev_{it} + \beta_{14} ROA_{it} + \beta_{15} LOSS_{it} + \beta_{16} GROWTH_{it} + \epsilon_{it}$$

نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) و ضرایب آن در جدول (۲) ارائه شده است.

همان طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، میانگین استقلال هیئت مدیره (INDP) برابر با ۰/۶۷۶ بوده و گویای آن است که به‌طور متوسط ۶۷/۶ درصد از اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها غیرموظف بوده و از استقلال برخوردار می‌باشند. متوسط اندازه هیئت مدیره (SIZE-BOARD) شرکت‌های نمونه (لگاریتم طبیعی کل تعداد اعضای هیئت مدیره) برابر با ۱/۶۱۵ بوده و بیشترین و کمترین آن به ترتیب ۱/۹۴۶ و ۱/۶۰۹ است. انحراف معیار این متغیر (۰/۰۴۲) حاکی از پراکندگی بسیار پایین اندازه هیئت مدیره بوده بطوریکه بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد اعضای هیئت مدیره بیشتر شرکت‌ها پنج نفر می‌باشد. متوسط دوگانگی وظیفه مدیرعامل (DUAL) در شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۲۵۷ بوده و گویای آن است که در ۲۵/۸ درصد از مشاهدات مدیرعامل همزمان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز بوده و از دوگانگی وظیفه برخوردار می‌باشد. همچنین آمار توصیفی متغیر مالکیت نهادی (INST) نشان می‌دهد به‌طور متوسط ۶۹/۶۲ درصد از ساختار مالکیت شرکت‌های نمونه را سهامداران نهادی تشکیل می‌دهد. کمترین مالکیت

جدول (۲): نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

$ABSDA_{it} = 0.226 - 0.057 DISWEAK_{it} - 0.010 DUAL_{it} + 0.004 DISWEAK * DUAL_{it} - 0.018 \beta_0 BOARD_SIZE_{it} + 0.030 \beta_5 DISWEAK * BOARD_SIZE_{it} + 0.017 INDP_{it} + 0.005 DISWEAK * INDP_{it} + 0.008 BOARD_FINANCE_{it} - 2.532 DISWEAK * BOARD_FINANCE_{it} - 0.006 BOARD_Change_{it} - 0.000 DISWEAK * BOARD_Change_{it} - 0.011 Size_{it} + 0.033 Lev_{it} + 0.064 ROA_{it} + 0.014 LOSS_{it} + 0.004 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
VIF	Prob	آماره t	ضریب	نماد متغیر
-	۰/۰۷۲	۱/۸۰۱	۰/۲۲۶	C
۸/۷۷۸	۰/۰۱۱	-۲/۵۲۹	-۰/۰۵۷	DISWEAK
۱/۷۷۴	۰/۰۰۰	-۳/۸۱۹	-۰/۰۱۰	DUAL
۲/۸۶۶	۰/۰۰۰	۷/۳۷۶	۰/۰۰۴	DISWEAK*DUAL
۲/۷۲۰	۰/۷۵۷	-۰/۳۰۸	-۰/۰۱۸	BOARD_SIZE
۸/۹۸۰	۰/۰۳۲	۲/۱۴۳	۰/۰۳۰	DISWEAK*BOARD_SIZE
۱/۷۳۶	۰/۱۴۶	۱/۴۵۴	۰/۰۱۷	INDP
۲/۱۸۹	۰/۳۷۷	۰/۸۸۴	۰/۰۰۵	DISWEAK*INDP
۱/۷۲۵	۰/۰۰۴	۲/۸۴۳	۰/۰۰۸	BOARD_FINANCE
۲/۰۰۰۵	۰/۰۱۱	-۲/۵۳۲	-۰/۰۰۲	DISWEAK*BOARD_FINANCE
۱/۷۵۹	۰/۰۰۸	-۲/۶۵۱	-۰/۰۰۶	BOARD_CHANGE
۲/۸۱۰	۰/۹۶۷	-۰/۰۴۰	-۰/۰۰۰	DISWEAK*BOARD_CHANGE
۱/۲۶۷	۰/۰۰۰	-۳/۹۷۸	-۰/۰۱۱	SIZE
۱/۶۸۹	۰/۰۰۰	۳/۵۳۵	۰/۰۳۳	LEV
۲/۰۱۵	۰/۰۰۰	۴/۳۰۳	۰/۰۶۴	ROA
۱/۴۳۶	۰/۰۰۰	۶/۰۵۷	۰/۰۱۴	LOSS
۱/۴۲۳	۰/۵۸۱	۰/۵۵۰	۰/۰۰۴	GROWTH
۱/۰۲۱	۰/۰۰۰	-۳/۹۵۹	-۰/۲۵۳	AR(1)
۱۱۵/۶۳۹	آزمون هاسمن		۳/۵۸۶	آزمون F لیمر (چاو)
(۰/۰۰۸)	سطح معنی داری (Prob)		(۰/۰۰۰)	سطح معنی داری (Prob)
۳۶/۴۹۲	آزمون جارکیو-برا		۳/۹۳۷	آماره F
(۰/۰۰۰)	سطح معنی داری (Prob)		(۰/۰۰۰)	سطح معنی داری (Prob)
۰/۵۲۶۷	ضریب تعیین (R2)		۲۴/۸۵۱	آزمون ناهمسازی واریانس (بارتلت)
۰/۳۹۲۹	ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		(۰/۰۰۰۱)	سطح معنی داری (Prob)
۲/۲۰۷		آماره دوربین واتسون		

کمتر از ۱۰ می باشد می توان گفت همخطی شدیدی میان آن ها وجود ندارد. طبق جدول سطح معنی داری جارکیو-برا مدل پایین تر از ۰/۰۵ است و نرمال بودن باقیمانده ها تأیید نمی شود. ولی از آنجایی که مشاهدات زیاد است، با استفاده از قضیه حد مرکزی می توان از نرمال نبودن چشم پوشی کرد. همچنین سطح معنی داری آماره F آزمون بارتلت در ارتباط با باقیمانده مدل تقریباً برابر با صفر می باشد (۰/۰۰۰۱)، و پیش فرض همسان بودن واریانس جملات باقیمانده قابل تأیید نمی باشد و مدل رگرسیونی به شیوه حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) برازش شده است.

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۲/۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می شود. علاوه بر این از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسن مابین عدد ۱/۵ و ۲/۵ می باشد (۲/۲۰۷) لذا استقلال باقیمانده های مدل نیز مورد پذیرش قرار می گیرد. در خصوص همخطی میان متغیرهای مدل نیز از آنجایی که مقدار آماره VIF برای تمامی متغیرها

علامت ضریب متغیر (FINANCE-
DISWEAK*BOARD) همچنان منفی است و بیانگر این مطلب می‌باشد که اعضای متخصص مالی در هیئت مدیره شرکت‌ها مکانیسم حاکمیت شرکتی مناسبی در جهت کنترل ضعف‌های کنترل داخلی به منظور افزایش کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌ها نمی‌باشد. در کل فرضیه اول تحقیق را در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت.

۲-۷- نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

برای آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی چند متغیره خطی شماره (۲) استفاده شده است.

مدل (۲)

$$ABSDA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DISWEAK_{it} + \beta_2 CO_{it} + \beta_3 DISWEAK * CO_{it} + \beta_4 SO_{it} + \beta_5 DISWEAK * SO_{it} + \beta_6 INST_{it} + \beta_7 DISWEAK * INST_{it} + \beta_8 FFS_{it} + \beta_9 DISWEAK * FFS_{it} + \beta_{10} Size_{it} + \beta_{11} Lev_{it} + \beta_{12} ROA_{it} + \beta_{13} LOSS_{it} + \beta_{14} GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

در جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد مدل (۲) ارائه شده است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۲)، سطح معنی‌داری (P-Value) آماره t مربوط به متغیر «ضعف کنترل داخلی» (DISWEAK) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰۰) و ضریب آن منفی می‌باشد (۰/۰۵۷-) بنابراین می‌توان گفت بین ضعف کنترل داخلی و سطح اقلام تعهدی محاسبه شده توسط مدل جونز (۲۰۰۵) ارتباط معناداری و معکوسی وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت هرچه ضعف کنترل داخلی در شرکتی بیشتر باشد کیفیت اقلام تعهدی شرکت پایینتر خواهد بود. در ادامه مشاهده می‌شود که با وارد شد متغیرهای مربوط به ساختار هیئت مدیره شرکت در مدل، ارتباط بین دو متغیر در برخی موارد تعدیل شده است.

و طبق نتایج ضریب متغیرهای (DISWEAK*BOARD_SIZE) و (DISWEAK*DUAL) به مثبت تغییر علامت داده است که نشان می‌دهد مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی اندازه هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل مکانیسم‌های مناسبی بوده و موجب تضعیف تأثیر ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی شرکتها می‌شوند ولی

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

$ABSDA_{it} = 0.133 - 0.18 DISWEAK_{it} + 0.031 CO_{it} + 0.002 DISWEAK * CO_{it} + 0.008 SO_{it} - 0.004 DISWEAK * SO_{it} + 0.056 INST_{it} + 0.018 DISWEAK * INST_{it} + 0.048 FFS_{it} + 0.023 DISWEAK * FFS_{it} - 0.010 Size_{it} + 0.030 Lev_{it} + 0.072 ROA_{it} + 0.015 LOSS_{it} + 0.002 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
نماد متغیر	ضریب	آماره t	Prob	VIF
C	۰/۱۳۳	۲/۱۹۷	۰/۰۲۸	-
DISWEAK	-۰/۰۱۸	-۹/۴۸۳	۰/۰۰۰	۸/۴۱۷
CO	۰/۰۳۱	۰/۸۱۱	۰/۴۱۷	۶/۴۹۷
DISWEAK*CO	۰/۰۰۲	۰/۹۹۷	۰/۳۱۸	۱/۴۶۰
SO	۰/۰۰۸	۱/۰۳۳	۰/۳۰۲	۷/۷۳۴
DISWEAK*SO	-۰/۰۰۴	-۰/۸۶۵	۰/۳۸۷	۲/۴۳۷
INST	۰/۰۵۶	۴/۹۵۲	۰/۰۰۰	۷/۱۴۱
DISWEAK*INST	۰/۰۱۸	۲/۶۸۱	۰/۰۰۷	۱/۸۷۶
FFS	۰/۰۴۸	۲/۰۶۴	۰/۰۳۹	۶/۱۶۸
DISWEAK*FFS	۰/۰۲۳	۶/۶۲۰	۰/۰۰۰	۱/۲۱۵
SIZE	-۰/۰۱۰	-۳/۶۱۱	۰/۰۰۰	۱/۶۸۳
LEV	۰/۰۳۰	۲/۴۰۰	۰/۰۱۶	۲/۱۰۱
ROA	۰/۰۷۲	۵/۷۴۸	۰/۰۰۰	۱/۳۹۸
LOSS	۰/۰۱۵	۶/۸۸۵	۰/۰۰۰	۱/۴۱۸

$ABSDA_{it} = 0.133 - 0.18 DISWEAK_{it} + 0.031 CO_{it} + 0.002 DISWEAK * CO_{it} + 0.008 SO_{it} - 0.004 DISWEAK * SO_{it} + 0.056 INST_{it} + 0.018 DISWEAK * INST_{it} + 0.048 FFS_{it} + 0.023 DISWEAK * FFS_{it} - 0.010 Size_{it} + 0.030 Lev_{it} + 0.072 ROA_{it} + 0.015 LOSS_{it} + 0.002 GROWTH_{it} + \epsilon_{it}$				
نماد متغیر	ضریب	آماره t	Prob	VIF
GROWTH	۰/۰۰۲	۰/۲۷۶	۰/۷۸۲	۱/۰۳۷
AR(1)	-۰/۲۵۵	-۴/۲۲۹	۰/۰۰۰	۱/۴۳۶
آزمون F لیمر (چاو)	۳/۳۷۷	آزمون هاسمن		
سطح معنی داری (Prob)	(۰/۰۰۰)	سطح معنی داری (Prob)		
آماره F	۴/۰۶۵	آزمون جاکوب-برا		
سطح معنی داری (Prob)	(۰/۰۰۰)	سطح معنی داری (Prob)		
آزمون ناهمسانی واریانس (بارتلت)	۲۴/۵۳۱	ضریب تعیین (R2)		
سطح معنی داری (Prob)	(۰/۰۰۰۱)	ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		
آماره دوربین واتسون	۲/۱۸۷			

(۰/۰۰۰) و ضریب آن منفی می‌باشد (۰/۰۱۸) بنا بر این می‌توان گفت بین ضعف کنترل داخلی و سطح اقلام تعهدی محاسبه شده توسط مدل جونز (۲۰۰۵) ارتباط معناداری و معکوسی وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت هرچه ضعف کنترل داخلی در شرکتی بیشتر باشد کیفیت اقلام تعهدی شرکت پایینتر خواهد بود. در ادامه مشاهده می‌شود که با وارد شد متغیرهای مربوط به ساختار مالکیت شرکت در مدل، ارتباط بین دو متغیر در برخی موارد تعدیل شده است. طبق نتایج ضریب متغیرهای (DISWEAK* INST) و (DISWEAK*FFS) به مثبت تغییر علامت داده است که نشان می‌دهد مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی درصد مالکیت نهادی و سهام شناور آزاد مکانیسم‌های مناسبی بوده و موجب تضعیف تأثیر ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌ها می‌شوند. در کل فرضیه دوم تحقیق را در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت.

۸- نتیجه گیری

پیاده‌سازی سازوکارهای کنترل‌های داخلی و افشای گزارش‌های مربوط به آن یکی از ابزارهای کنترلی مؤثر در راستای نظارت مناسب‌تر سهامداران بر رفتار و عملکرد مدیران می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع و نیز به دلیل برقراری الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۳/۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. علاوه بر این از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسن مابین عدد ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد (۲/۱۸۷) لذا استقلال باقیمانده‌های مدل نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در خصوص همخطی میان متغیرهای مدل نیز از آنجایی که مقدار آماره VIF برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ می‌باشد می‌توان گفت همخطی شدیدی میان آن‌ها وجود ندارد. طبق جدول سطح معنی داری جاکوب-برا مدل پایین‌تر از ۰/۰۵ است و نرمال بودن باقیمانده‌ها تأیید نمی‌شود. ولی از آنجایی که مشاهدات زیاد است، با استفاده از قضیه حد مرکزی می‌توان از نرمال نبودن چشم پوشی کرد. همچنین سطح معنی داری آماره F آزمون بارتلت در ارتباط با باقیمانده مدل تقریباً برابر با صفر می‌باشد (۰/۰۰۰۲)، و پیش فرض همسان بودن واریانس جملات باقیمانده قابل تأیید نمی‌باشد و مدل رگرسیونی به شیوه حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) برازش شده است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۳)، سطح معنی داری (P-Value) آماره t مربوط به متغیر «ضعف کنترل داخلی» (DISWEAK) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده

را به میزان ناچیزی تضعیف می‌کنند. که در این ارتباط می‌توان گفت تخصص مالی که در این تحقیق صرفاً از طریق مدارک دانشگاهی سنجیده شده است ملاک خوبی برای اندازه‌گیری دانش هیئت مدیره نیست و دانش تجربی کسب شده توسط اعضاء با ارزش است. با توجه به نتایج برای جلوگیری از بروز رفتارهای فرصت طلبانه‌ی مدیریت پیشنهاد می‌شود تا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از طریق استقرار نظام کنترل‌های داخلی کارآمد و تفکیک نقش مدیر عامل از رئیس یا نائب رئیس هیات مدیره، افزایش اندازه هیئت مدیره، افزایش درصد مالکیت نهادی و سهام شناور آزاد و در نتیجه کاهش ضعف کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را افزایش دهند. مکانیسم‌های ذکر شده موجب تقویت مفهوم پاسخگویی مدیر و حساب‌خواهی سهامداران در مورد عملکرد مدیران شده و کیفیت گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت.

طبق نتایج استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی اثرگذار نبوده و فرضیه‌های مربوطه رد شدند. که تا حدودی مغایر با مبانی نظری تحقیق است. زیرا انتظار بر این بود که مدیران غیرموظف بدلیل نداشتن پست‌های اجرایی استقلال بیشتری نسبت به مدیران اجرایی داشته و بدین ترتیب زمانی که استقلال هیئت مدیره افزایش یابد احتمال می‌رود که میزان دستکاری در فعالیت‌های واقعی از قبیل فروش، هزینه‌های اختیاری و فعالیت‌های عملیاتی کاهش یابد. همچنین نتایج تحقیقات زیادی از این عقیده حمایت می‌کنند که سهامداران بزرگ ناظر مهمی برای اقدامات مدیریت محسوب می‌شود. سهامداران بزرگ از تخصص بیشتری برای شناسایی قانون شکنی‌های حسابداری (عبداله و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۰) و انگیزه بیشتری برای نظارت بر اقدامات مدیران نسبت به سهامداران کوچک برخوردار بوده، زیرا نظارت برای آن‌ها نسبت به سهامداران خرد، صرفه اقتصادی دارد (ژونگ^{۲۴}، ۲۰۰۷). نهایتاً می‌توان ادعا نمود،

در شرکت‌های تحت نظارت آن سازمان طی سال‌های اخیر، هدف تحقیق حاضر بررسی تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه‌ی بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی تعیین شده است. در راستای بررسی موضوع فوق، دو فرضیه اصلی تدوین شد و در بین ۱۵۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری مدل‌های رگرسیونی چندگانه نشان داد که بین ضعف کنترل‌های داخلی و کیفیت اقلام تعهدی، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. این نتیجه می‌تواند تکمیل کننده نتایج تحقیقات ذکر شده در پیشینه تحقیق حاضر مانند جی و همکاران (۲۰۱۷)، وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، فاستر و شستری (۲۰۱۳)، جانستون و همکاران (۲۰۱۱) و جی و مک وی (۲۰۰۷) باشد. بر این اساس می‌توان گفت که الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی و افشای گزارش مربوطه توسط مدیران شرکت می‌تواند موجب کاهش رفتارهای سوء آن‌ها شده و اقدامات مدیریت سود را کاهش دهد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که برخی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، درصد مالکیت نهادی و سهام شناور آزاد) مورد بررسی در تحقیق حاضر، ارتباط بین ضعف کنترل‌های داخلی و کیفیت اقلام تعهدی را تعدیل می‌نماید. بدین معنا که علاوه بر تاثیر ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی، در شرایط تقویت مکانیسم‌های فوق، این ارتباط معکوس تضعیف می‌شود. طبق مبانی نظری تحقیق، هیئت مدیره بزرگ مکانیزمی برای کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیران محسوب می‌شود. و رهبری هیئت مدیره مرتبط با تقسیم قدرت میان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل است. ترکیب این دو وظیفه سیستم‌های حاکمیت شرکتی را تضعیف می‌کند (صالح و همکاران^{۲۲}، ۲۰۰۵).

حضور اعضای متخصص مالی در هیئت مدیره، نیز تاثیر ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی

- * خانجی، عبدالله و ابراهیمی، خدیجه. (۱۳۹۲). توانایی تخمین الگوهای اقلام تعهدی غیرعادی براسای تعدیل الگوی جونز و پیش بینی قیمت گذاری نادرست سهام. دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۴، ۶۷-۹۰.
- * رشیدیان، مینا؛ پاک مراد، عسگر و بیک زاد، جعفر. (۱۳۹۳). رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری، دوره ۴، شماره ۳، پیاپی ۶۱-۷۹.
- * ساعدی، رحمان و دستگیر، محسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی و شکاف سهامداران کنترلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۴، ۱۷-۳۸.
- * صفرزاده، محمدحسین و طاوسی، ساجده. (۱۳۹۶). رابطه بین حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته. مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۳، ۱۶۴-۱۳۵.
- * فخاری، حسین و کبیری، محمدتقی. (۱۳۹۷). بررسی اثر تعدیل کنندگی گزارش حسابرسی بر ارتباط افشای ضعف کنترل‌های داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۷۱-۱۴۷.
- * متقی، علی اصغر؛ غریب، حجت و قوی پنجه، رامین. (۱۳۹۶). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر واکنش سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری، شماره ۲۴، ۱۳۹-۱۵۵.
- * ملکیان، اسفندیار و نیکروان فرد، بیتا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مالکان نهادی بر رابطه‌ی بین مدیریت حسابرسی مستقل در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۹-۱۶۶.
- حاکمیت شرکتی مناسب برای شرکت‌ها امتیازات مهمی را فراهم می‌کند. از دیدگاه شرکت‌ها حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا به معنای هزینه پایین برای سرمایه، افزایش نقدینگی و تامین مالی و افزایش تامین اعتبار از بازارهای سرمایه اعتباری و مقابله با بحران‌ها می‌باشد. لذا در سطح کل شرکت به مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که میزان کیفیت حاکمیت شرکتی خود را افزایش دهند.
- همچنین از آنجاکه پژوهش در زمینه کنترل‌های داخلی در ایران بسیار اندک است، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد تا به بررسی موضوع حاضر با استفاده از سایر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی مانند ویژگی‌های حسابرس شرکت‌ها نیز بپردازند.

فهرست منابع

- * ابراهیمی، سیدکاظم؛ بهرامی نسب، علی و حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و روابط سیاسی. فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۱.
- * برادران حسن زاده، رسول؛ بادآورنهدی، یونس و حسین بابائی، قادر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با ارزش ایجاد شده برای صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۶-۱.
- * بهارمقدم، مهدی؛ صادقی، زین العابدین و صفرزاده، ساره. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۰۷-۹۰.
- * حاجیه‌ها، زهره و محمد حسین نژاد، سهیلا. (۱۳۹۴). عوامل اثرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۶، ۱۳۷-۱۱۹.

- Working paper. Madison: University of Wisconsin, NO 57, 1-31.
- * Ji, X. D, Lu, W, Qu, W, (2017). Voluntary Disclosure of Internal Control Weakness and Earnings Quality: Evidence from China. *The International Journal of Accounting*, Vol 52, issue 1, 27-44.
- * Krishnan, J., 2005. Audit committee quality and internal control: an empirical analysis. *Account. Rev.* 80 (2), 649-675
- * Saleh, N.M; Iskandar, T.M; Rahmat, M.M., (2005). Earnings management and board characteristics: evidence from Malaysia. *Jurnal Pengurusan* 24, pp. 77-103.
- * Stephens, N., 2009. Corporate governance quality and internal control reporting under SOX section 302. Working paper, Available from: <http://ssrn.com/abstract=1313339>
- * Wang, F., Xu, L., Zhang, J. and Shu, W., (2018). Political connections, internal control and firm value: Evidence from China's anti-corruption campaign. *Journal of Business Research*, Vol 86, 53-67.
- * Wang, X., Gao, J., Shang, C., & Lu, Q. (2016). Ownership Structure, Internal Control and Real Activity Earnings Management. In *Industrial Engineering, Management Science and Application (ICIMSA)*, International Conference on (1-4). IEEE
- * Wu, J., Liu, L., Jones, F., (2011). Firm value and earnings management after internal control weaknesses remediation. *Int. J. Bus. Res.* 11 (5), 111-122.
- * Ying, Y. (2016). Internal control information disclosure quality, agency cost and earnings management—based on the empirical data from 2011 to 2013. *Modern Economy*, 7(1), 64.
- * Zhang, Y., Zhou, J., Zhou, N., 2007. Audit committee quality, auditor independence, and internal control weaknesses. *J. Account. Public Policy* 26 (3), 300-327.
- * Zhong, K; Gribbin, D.W; and Zheng, X., (2007). The effect of monitoring by outside blockholders on earnings management. *Quarterly Journal of Business and Economics*
- * نیک بخت، محمدرضا؛ سیدی، سید عزیز و هاشم الحسینی، روزبه. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر ویژگیهای هیات مدیره بر عملکرد شرکت. پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول، پیاپی ۵۸/۳، ۲۷۰-۲۵۱.
- * ولی زاده لاریجانی، اعظم؛ رحمانی، علی و ساده، شقایق. (۱۳۹۷). رابطه بین افشای گزارش کنترل-های داخلی. هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۵، ۴۰-۲۹.
- * Abdullah, S.N; Mohamad Yusof, N.Z.; and Mohamad Nor, M.N., (2010). Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies. *Managerial Auditing Journal*, Vol.25, No.6, pp.526-552.
- * Agyei-Mensah, B. K. (2016). Internal control information disclosure and corporate governance: evidence from an emerging market. *Corporate Governance*, 16(1), 79-95
- * Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D.W., Kinney, W.R., (2007). The discovery and reporting of internal control deficiencies prior to SOX-mandated audits. *J. Account. Econ.* 44, 166-192
- * Balsam. Steven, Wei Jiang, Bo Lu, (2012), Equity Incentives and Internal Control Weaknesses November 15, NO 48.1-34.
- * Bosse, D.A., Phillips, R.A. (2016). Agency theory and bounded self-interest. *Academy of Management Review*, 41(2), 276-297.
- * Chan. K, Barbara R. Farrell, Picheng Lee, (2005). Earnings Management and Return-Earnings, Association of Firms Reporting Material Internal Control Weaknesses Under Section 404 of the Sarbanes-Oxley Act. June 15, 1-35.
- * Foster, B. P., & Shastri, T. (2013). Material internal control weaknesses and earnings management in the Post-Sox environment. *Journal of Applied Business Research*, 29(1), 183.
- * Hammersley. Jacqueline S, Linda A. Myers, Catherine Shakespeare ,(2008), Market Reactions to the Disclosure of Internal Control Weaknesses and to the Characteristics of those Weaknesses under Section 302 of the Sarbanes Oxley Act of 2002, *Review of Accounting Studies*, 1-42.
- * Hoitash,U.,Hoitash,R., Johnstone. K, (2011). Internal Control Material Weaknesses and CFO Compensation,

یادداشت‌ها

- ¹ Internal control weakness
- ² Internal control report
- ³ Wu et al
- ⁴ Hammersley et al
- ⁵ Ying
- ⁶ Bosse and Phillips
- ⁷ Wang et al
- ⁸ Ji et al
- ⁹ Mensah
- ¹⁰ Wang et al
- ¹¹ Foster and Shastri
- ¹² Balsam et al
- ¹³ Johnstone et al
- ¹⁴ Hoitash et al
- ¹⁵ Stephens
- ¹⁶ Zhang
- ¹⁷ Ashbaugh et al
- ¹⁸ Krishnan
- ¹⁹ Chan et al
- ²⁰ Herfindal Index
- ²¹ موسسه مورگان استانی بک موسسه بین المللی در زمینه تعیین شاخص است International Inc Capital Stanley Morgan
- ²² Saleh et al
- ²³ Abdullah et al
- ²⁴ Zhong et al